



اشک ها و لبخند های سفید پوشان

«پ» مثل «پروانه» مثل «پرستار»

اسدی

درد که بیاید و بلای جانت شود، تا علت آن آشکار شود و مداوا شوی، هیچ چیزی را آمت نمی کند جز دستانی که مهرپانانه تورا در مسیر شفا همراهی می کنند؛دستانی که نبض زندگی، مرهم و مُسکن آلام هستند. هر چقدر هم بوم در دهایت بزرگ باشد باز هم نقش لبخند می نشانند بر این بوم، در روزهای سختت، ابر می شوند و می بارند و برای خدمت به تو ایثار می کنند. پرستار است،فرشته ای همیشه در صحنه با نوش دارویی در دست، گاهی حلقه اتصال مرگ و زندگی است و چنان پند زندگی را محکم نگه می دارد که مبادا یگسلا، مبادا حیات پرود و تلخی مرگ کام دیگران را تلخ کند،نمی شود که در د باشد و او نباشد، اشک باشد و او مرهم نباشد، نمی شود تو در تبی سوزان بسوزی و او به دنبال فروکش کردن آتش درونت نباشد، به راستی نمی شود که نباشد، ستونی مستحکم برای روزهای سخت و بحران است و الگوی استقامتش خواهر شهید کربلا، حضرت زینب کبری (س) است و این گونه است که این نور روزهای ناامیدی و سختی همیشه می تابد و بی وقفه گرما می دهد.

«شهلا اسدی» کارشناس پرستاری و سوپروایزر کنترل عفونت بیمارستان امام علی (ع) است، سال هاست که تن پوش پرستاری بر تن دارد و مدت مدیدی در کنار بیماریانی است که شب ها از درد خواب ندارند. این پرستار راوی خاطراتی است که تداعی کننده روزهای پرستاری اوست، به گفته

خودش لحظه لحظه زندگی اش خاطره است؛ خاطرات تلخ و شیرینی که هیچ گاه از صفحه ذهنش پاک نمی شوند.

سفرش به سرزمین فرشتگان سفیدپوش باقبولی در رشته پرستاری در یکی از مراکز آموزش عالی شروع شد و جرعه ماندنش در این شغل را علاقه زیادش به بیماران زده است. این پرستار با بیان این که کار کردن در قالب طرح در زمان دانشجویی علاقه ام را به این رشته بیشتر کرد،می افزاید: این شغل همانند دیگر مشاغل سختی ها و مسائل مرتبط با خود را دارد اما یک پرستار برای تسهیل کردن این سختی ها در اولین گام باید از تباط خوبی با بیمار برقرار کند زیرا این امر موجب راحتی کار با بیمار می شود. وی سختی کار پرستاری را در کار کردن با یک موجود زنده می داند و ادامه می دهد: نجات یک موجود زنده به طور طبیعی مشکلات خود را دارد و قرار گیری بیمار و پرستار در هر بخشی به تناسب به این سختی اضافه می کند، به طور مثال قرار داشتن بیمار در بخش مراقبت های ویژه بر سختی کار پرستاری می افزاید چون فرد بیمار در کمات و پرستار عامل انجام تمام فعالیت های حیات بخش این بیمار است.

همانند شغلش است، به ترتیب و با دقت سخن می گوید که مبادا نکته ای را از قلم بیندازد، در بین سخنانش و تشریح سختی کار پرستاری به شب بیداری پرستاران هم اشاره می کند.

کار پرستاری می تواند چون شب یکی از دشوارترین کارهایی است که یک انسان می تواند انجام دهد



با این حال پرستاران با قرار گرفتن در شیفت های شبانه بارها و بارها از این آزمون سربلند بیرون آمده اند. وی با بیان این که در ابتدای فعالیت ام به عنوان یک پرستار شیفت های شب را به سختی می گذراندم و برای پیروزی بر خواب مدام به بیماران سر می زدم و وضعیت آن ها را چک می کردم، اظهار می کند: فکر می کنم چنین شرایطی برای بیشتر پرستارها پیش آمده است و بیشتر ما تجربه به این رشته بیشتر کرد،می افزاید: این شغل همانند دیگر مشاغل سختی ها و مسائل مرتبط با خود را دارد اما یک پرستار برای تسهیل کردن این سختی ها در اولین گام باید از تباط خوبی با بیمار برقرار کند زیرا این امر موجب راحتی کار با بیمار می شود. وی سختی کار پرستاری را در کار کردن با یک موجود زنده به طور طبیعی مشکلات خود را دارد و قرار گیری بیمار و پرستار در هر بخشی به تناسب به این سختی اضافه می کند، به طور مثال قرار داشتن بیمار در بخش مراقبت های ویژه بر سختی کار پرستاری می افزاید چون فرد بیمار در کمات و پرستار عامل انجام تمام فعالیت های حیات بخش این بیمار است.

کنکاش خاطرات گذشته اش، ناگهان لبخند را مهمان لب هایش می کند، انگار شیرینی این خاطره هنوز در ذهنش است، کمی سکوت می کند و خاطرات گذشته را مرور می کند. درباره شیرین ترین خاطره اش بیان می کند: لحظه لحظه و ثانیه به ثانیه زندگی یک پرستار خاطره است، این شغل پر از اتفاقاتی است که خاطره می شوند، یکی از شیرین ترین خاطراتم به چند ماه قبل باز می گردد، زمانی که پرستار بخش بوم، پسریچه ای را با تب بسیار بالا به بیمارستان آوردند که تحت تکفل پدر بزرگش بود، تجویز پزشک کنترل مرتب تب در فواصل زمانی مشخص بود اما کودک مورد نظر بسیار می ترسید و ارائه خدمات درمانی به او دشوار بود. وی ادامه می دهد: مادر بودن حس شگفت انگیزی است زیرا می توانی با کودکان رابطه برقرار کنی. همین مادر بودن موجب شد بتوانم رابطه خوبی با کودک برقرار کنم. کودکی که به شدت ترس

بر او غلبه کرده بود، پس از رسیدگی های اولیه به بخش اطفال بیمارستان دیگری اراج داده شد اما او حاضر نبود مرا ها کند و فقط می خواست که من کنارش باشم.

وی می افزاید: در نهایت با او صحبت کردم و به پرستاران بیمارستان دیگر سپردم اش اما هنوز احساس نزدیکی کودک، آغوشش برای جدانشدن، نقاشی هایم روی چسب «آژیوکت» و بادکنک هایی

از جنس دستکش را به خاطر دارم. به راستی مرگ و زندگی، شادی و غم با هم تنیده شده اند، به موازات یک تجربه شیرین، گاهی تجربه ای تلخ قرار دارد خاطره ای که هر زمان به آن فکر کنی مکدرت می کند. این پرستار هم در کنار خاطرات شیرین خود تلخی هایی را چشیده است؛ تلخی مرگ. هنوز می توان رنگ اندوه را در نگاه اش دید باز گو کردنش راحت نیست اما پرستار که باشی با استواری باید ببینی و بمانی.

او ادامه می دهد: تلخ ترین خاطره ام مربوط به زمانی است که پرستار بخش جراحی بوم، یک روز بسیار پر کار، مریضی بد حال با شرایط خاص وارد بخش شد، بیماری که به دلیل وخامت حال به سرعت به اتاق عمل هدایت شد اما با وجود اقدامات اولیه در گذشت، حال بد خانواده بیمار پشت در اتاق عمل پس از شنیدن خبر مرگش و جو ایجاد شده یکی از تلخ ترین خاطراتی است که برایم از این شغل به یادگار مانده است.

وی اما گلایه هایی هم دارد؛ گلایه هایی از همراهان پرستاری که خدمات واقعی آن ها را نمی بینند و پرستاران را تنها مسئول تریقات می دانند، او خواستار پر رنگ شدن تصویر پرستاران در اذهان عمومی است، دلیش می خواد در تصویر قاب شده در مان بیاتر دیده شوند و خواستش هم رسیدن به این تصویر در افکار عمومی است.

«یاسین رضائی» پرستار بخش مراقبت های ویژه، ای سی یوی جراحی است. او تعریفی درباره پرستاری دارد، این شغل را به معنای نگهداری و مراقبت می داند و می گوید: در گذشته پرستاران را بیشتر مسئول تریقات می دانستند در حالی که پرستاری یک رشته آکادمیک است.

وی با بیان این که این شغل شامل فعالیت های حمایتی، مراقبتی و درمانی است، ادامه می دهد: این شغل شامل چند رشته است که همزمان پرستار تمام این خدمات را انجام می دهد و تنها یک کار عادی در درمانی نیست. کارهای آموزشی بسیاری توسط پرستاران انجام می شود که در سیستم پرستاری دارای اهمیت ویژه ای است.

این پرستار نقاط ضعف، قوت و سختی های این شغل را امری طبیعی برای پرستاران می داند که این بخش از جامعه با آن خو گرفته اندو بیشتر دشواری را شغل های گردشی می داند که موجب شده پرستاران نتوانند برنامه مشخصی برای امور غیر کاری داشته باشند.

وی داستانهای از فراتر از زمان می داند و ادامه می دهد: با این که زمان و شیفت کاری مشخصی وجود

دارد اما این شغل شبانه روزی است و خدمات توسط پرستاران بدون وقفه ارائه می شود.

این پرستار در محل کارش با همسرش که او هم پرستار است، آشنا شده و یکی از خاطرات کاری او ارتباط مستقیمی با این موضوع دارد. یکی دیگر از خاطراتش که برای او شیرین بوده نجات جان بیمار دارای مشکلات روانی بود که قصد پرت کردن خودش را از پنجره بیمارستان داشت، موضوعی قدیمی که هنوز در ذهن این پرستار تازه است و شیرینی و ماندگاری آن به این دلیل است که بیمار نجات یافته توسط این پرستار پس از درمان برای تشکر و قدردانی دوباره به بیمارستان بازگشته تا این پرستار را ببیند.

بدترین خاطره اش هم مرگ پدر بزرگش در زمانی است که خود او هم در اتاق احیا حضور داشته و برای ادامه حیات پدر بزرگش تلاش کرده است.

فرزند ۴ ساله اش در هنگام مصاحبه مدام همبازی شدن و توجه پدر را می خواهد؛ پدری که شب گذشته شیفت بوده و بدون استراحت به گفت و گو روزی که با خبرنگار روزنامه «خراسان شمالی» نشستند تا در روزی که به نام آن هاست این شغل را بیشتر به مردم معرفی کند.

وی با بیان این که سیستم درمان یک کار گروهی است، ادامه می دهد: وظایف هر کسی در این مجموعه مشخص است اما پرستاران افرادی هستند که بیماران بیشترین ارتباط را با آن ها دارند و این مدام در ارتباط بودن انتظاراتی را برای بیماران ایجاد کرده است که یک پرستار باید همه مراحل درمان را انجام دهد در حالی که درمان باید در این سیستم روال خود را طی کند. این پرستار که به گفته خود یک سالی است لباس آبی رنگ بخش مراقبت های ویژه را بر تن دارد، در بخشی از سخنان خود به آمار بالای مرگ و میرهای موتور سواران اشاره می کند و دغدغه اش در رابطه با موتور سوارانی است که نکات ایمنی را رعایت نمی کنند.

انسان است با عواطف، احساسات و روحیات انسانی اما هر روز شاهد صحنه های تکان دهنده بیمارانی است که بر اثر تصادفات آسیب های جدی و بدنی دیده اند با این حال آموخته که عواطف را باید مدیریت کرد تا جان را از بند بیماری و مرگ رها کرد، او از گلدن تایم می گوید؛ لحظه حیاتی نجات که اگر از آن استفاده نشود، آنچه می شود که نباید شود، همین اضطراب مدیریت احساسات از آن ها نه سنگدل بلکه اسطوره ساخته است؛ اسطوره خدمات دهی در بخش درمان.

مادرم کجاست؟

نام سوختگی که به میان می آید ناخواسته دلت آشوب و سر گیجه ای مداوم مهمانت می شود، در روزگاری که عموم مردم از بیماری و درد گریزان هستند، وجود دارند پرستارانی که از جان مایه می گذارند و در بخش های ویژه ای خدمت می کنند. «الکانه» از پرستاران بخش سوختگی بیمارستان امام علی(ع) است، پرستاری که

این راه مهم و حیاتی می تواند باعث اشتغال چند صد نفر در منطقه شود و علاوه بر آن، امکان دسترسی مردم دو بخش سنخواست و شوقان و حتی مرکز استان به ایستگاه راه آهن سنخواست میسر می شود. وی افزود: اتصال شهر سنخواست به خراسان رضوی در منطقه جغتای می تواند مسیر دسترسی به شمال کشور را حدود ۸۰ کیلومتر کوتاهتر کند ضمن این که کاهش مصرف سوخت و همچنین افزایش میزان تبادلات کشاورزان در منطقه از دیگر فواید آن است.

برنامه ریزی برای برگزاری مسابقات فوتسال بین استانی جام نوروز

وی با اشاره به حوزه ورزش شهر سنخواست نیز ابراز کرد: در حوزه ورزش و جوانان با رویکرد تعامل بین دستگاه ها به خصوص اداره ورزش و جوانان شهرستان جاجرم، نسبت به تشکیل کمیته های ورزشی مختلف اقدام کرده ایم و کمک به تیم های ورزشی و برگزاری مسابقات ورزشی به خصوص حمایت از تیم فوتسال شهرداری سنخواست (شادروان مقدم) در مسابقات سوپر لیگ استان و برگزاری مسابقات فوتسال بین استانی جام نوروز در دستور کار قرار دارد. «صادقی تنها» تصریح کرد: به دلیل نبود فضای مناسب و سالن استاندارد در شهر و نبود حداقل امکانات ورزشی، متأسفانه رغبت و اشتیاق چندانی از سوی جوانان در این زمینه دیده نمی شود و با پیگیری توسعه اماکن ورزشی و فعالیت نمایندگی ادار ورزش و جوانان در شهر سنخواست نگاه ویژه مسئولان امر را به این مهم خواستاریم.

همبستگی و تعامل خوب بین مسئولان شهر سنخواست

وی افزود: خوشبختانه با همبستگی و تعامل خوبی که بین مسئولان شهر سنخواست به وجود آمده و تلاش بی وقفه بخشدار محترم و شهردار پرتلاش، زمینه انجام اقدامات بسیار خوبی فراهم شده است و با وجود ظرفیت فراوان در این منطقه و تشویق سرمایه گذاران و حضور آن ها به نتایج خوبی دست یافته ایم، به ویژه اقدامات عمرانی مناسبی طی این مدت در شهر انجام شده که اجرای ساختمان شرکت گاز و تخصیص اعتبارات در بخش های مختلف نتیجه همدلی و تلاش همه خدمت گران مردم در این شهر است.

تشکر از حمایت های مردم، مدیران و مسئولان

«صادقی تنها» تصریح کرد: از تلاش ها و حمایت ها و زحمات مهندس «صالحی» استاندار خراسان شمالی، «دکتر «محبی» فرماندار جاجرم، حجت الاسلام «سعیدی» امام جمعه محترم سنخواست، «قضنفری» بخشدار سنخواست و مهندس «نقای» شهردار سنخواست و همه مسئولان شهرستان و شهر تشکر می کنیم.

وی گفت: همچنین از مردم فهیم و قدرشناس شهر دارالعلمای سنخواست تشکر ویژه ای می کنیم و امیدواریم با مشارکت و دعوت از بخش خصوصی و همراهی مردم عزیز با پیشبرد هر چه سریعتر اهداف شاهد شهری زیبا و آباد باشیم. به سفر اخیر مهندس «علی نیا» معاون محترم هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان شمالی به همراه مهندس «مصطفی زاده» مدیر کل راه و شهرسازی مقرر شد مطالعات لازم در این زمینه صورت گیرد.



رئیس شورای اسلامی سنخواست:

سنخواست قطب پسته خراسان شمالی است

فاطمه معینی

شهر سنخواست ظرفیت های بسیاری دارد و وجود مزارع پسته فراوان، این شهر را به قطب پسته در خراسان شمالی تبدیل کرده است.

رئیس شورای اسلامی شهر سنخواست با بیان این مطلب افزود: سطح زیر کشت پسته در این شهر ۱۷۰ هکتار است و سالانه ۱۰۰ هکتار به این بخش اضافه می شود و با توجه به فعالیت تنها کارخانه فراوری پسته استان در شهر سنخواست می توان با تولید و افزایش سطح زیر کشت، ورود سرمایه گذاران بخش خصوصی و حمایت دولت محترم در زمینه اقتصاد مقاومتی گام های مؤثری برداشت.

تلاش برای صادرات پسته با برند مخصوص

«محمد حسین صادقی تنها» افزود: در آینده ای نزدیک با مشارکت بخش خصوصی و بسته بندی محصولات و همچنین همکاری جهاد کشاورزی و مجموعه دولت محترم تصمیم به صادرات این محصول با برند مخصوص را داریم و الما پسته نیز در ورودی شهر سنخواست با توجه به ظرفیت های این بخش نصب شده است.

کشت زعفران در ۶۵ هکتار از مزارع

وی ابراز کرد: محصول زعفران هم یکی دیگر از ظرفیت های بخش کشاورزی سنخواست است که با افزایش سطح زیر کشت، تغییر الگوی کشت در منطقه و در غیاب مردم به کاشت

گزارش

با عشق متقاضی کار در این بخش شده است. او با بیان این که برخی از دید نامناسبی به این بخش نگاه می کنند، می افزاید: در بین بیماران سوختگی درمان به وضوح دیده می شود به طوری که بیماری که لایه های سطحی و عمیق پوستش از بین رفته است، پس از فرایند درمان با سلامت کامل این بخش را ترک می کند.

وی دیدن این چرخه را تداعی کننده حسنی محبوبی کاملاً ایزوله و شرایط این بخش به نحوی است که خطر انتقال عفونت بسیار بالاست، زیرا پوست بدن این بیماران که بزرگ ترین سد دفاعی در برابر بیماری هاست از بین رفته است.

گلایه او هم از تصویر عموم نسبت به پرستاران نشأت می گیرد هر چند که معتقد است دید ها در جامعه به تناسب فرهنگ و سواد متفاوت است. این پرستار بخش سوختگی مدام همبازی شدن و توجه پدر را می خواهد؛ پدری که شب گذشته شیفت بوده و بدون استراحت به گفت و گو روزی که با خبرنگار روزنامه «خراسان شمالی» نشستند تا در رجه ۳ به این بخش منتقل شدند، پس از چند روز پدر و مادر کودک به دلیل شدت جراحات وارد شده به مشهد منتقل و متأسفانه فوت شدند و کودک در این بخش ماند.

در روایت این بخش از خاطره اش بعضی می کند گویا یادآوری تصویرش دردناک است، با صادیی گرفته ادامه می دهد: هنگام پاسمان، این کودک مدام سراغ مادرش را می گرفت، می خواست دردهایش را با مادرش تقسیم کند، دست های مادرش را بفشارد اما چه می شد کرد که نه پدری بود و نه ردی از نگاه های مهربان زیرا آن ها روزها بود که ترکش کرده بودند.

بخشی از خاطراتش به وسعت مرگ تلخی دارد و بخشی دیگر دردناک اما با پایدانی خوش است، یکی از خاطراتش در ارتباط با راننده ای از اسفراین است که به دلیل انفجار کیسول ال پی جی خودرو ۶۰ درصدبدنش دچار سوختگی شدید شده بود و روز اول ورود به بخش همه می دانستند که ماندنی نیست اما به لطف خدا شب به دنیا بازگشت و پس از بهبودی قطعه آهنگی را برای پرستاران این بخش خواند و به آن ها هدیه کرد.

از انصاف نگذیرم، پرستاران این فرشتگان زمینی، فراتر از توان ناچی هستند و خدمت می کنند با این که معاونت پرستاری وزارت بهداشت و درمان چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و این امر مسبب اختلاف قابل تأمل پزشک و پرستاران و مشکلات معیشتی این قشر زحمتکش شده است با این حال همچنان حامی سلامت جامعه و نجات جان انسان ها هستند، بنابراین می توان گفت که نمی شود که بحران باشد اما آن ها نباشند، نمی شود که اشک و درد باشد و دستان مهربان پرستاران مرهم نباشد.



«صادقی تنها»: احداث جاده به

سمت ایستگاه سنخواست می تواند

باعث اشتغال چند صد نفر در منطقه

شود و علاوه بر آن، امکان دسترسی مردم

دو بخش سنخواست و شوقان و

حتی مرکز استان به ایستگاه راه

آهن سنخواست را میسر سازد